

نظر دیگران در مورد حاتمی کیا

حاتمی کیا بچه لوس سینماست

از آنجایی که وقتی باد بکاری طوفان درو می‌کشد، کنش‌های حاتمی کیا و کنش‌های عجیب و غریبی هم داشته و خیلی از چهره‌های سرشناس در مدح و ذم آقای کارگردان حرف زده‌اند.



عباس کیارستمی:

«خانه دوست کجاست» ماندگار شد چون راجع به یک ارزش انسانی صحبت می‌کرد، اما فیلم‌های تو نماد چون تو راجع به یک پریودی از تاریخ ایران حرف زدی که تازه آن پریود هم بچه‌ها را به هیجان آورد.



بهروز برستویی:

به اعتقاد من حاتمی کیا صادق‌ترین و شایسته‌ترین کارگردانی است که توانسته روح انسانی جنگ را از منظر سینمای دفاع مقدس به تماشگرش بشناساند.



اصغر فرهادی:

«ارتفاع بست» در واقع فیلمنامه آقای حاتمی کیاست. من نویسنده آن فیلمنامه‌ام، اما مولفش نیستم. در زمان نوشتن، سعی کردم با موفقه‌های ذهنی حاتمی کیا بنویسم. شکل آن فیلمنامه شبیه کارهای من نیست. مولف آن فیلمنامه خود آقای حاتمی کیا است.



علی معلم:

من فردی هستم که نه به اندازه حاتمی کیا پول گرفتم نه امکانات وی را داشتم. وی بچه لوس سینما بوده و جایزه‌هایش را هم همیشه گرفته و در نهایت هم فیلم توقیفی او در دولت دهم توسط موسسه رسانه‌های تصویری با چراغ سبز مدیریت وقت خریداری شد.



امیر قاسبی:

«به وقت شام» از جمله فیلم‌هایی است که می‌توان با دیدن آن یک دل سیر خندید. این فیلم از جمله فیلم‌هایی است که می‌تواند با نیمی از بودجه به کاررفته در فیلم «به وقت شام» ساخته شود.



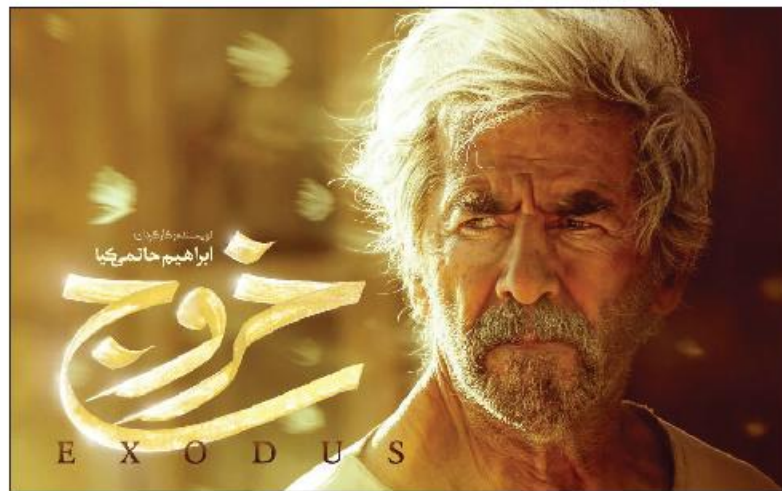
ابراهیم فیاض:

امثال کیارستمی زود خواهند مرد چون فرزند زمانه خودشان بودند، اما امثال آوینی و حاتمی کیا زنده‌اند. حاتمی کیا به شدت در حال تاریخ‌سازی است، اما خودش این رانمی‌داند و در این تاریخ‌سازی به خودش هم رحم نمی‌کند.



نادر طالبزاده:

امیدوارم «به وقت شام» در یکی از دانشگاه‌های انگلیس به نمایش درآید.



دیالوگ‌های برتر حاتمی کیا در طول سال‌ها فعالیت

خودم فیلم‌هایم را نمی‌بینم!

در مورد فیلم‌های «از کرخه تا راین»، «آژانس شیشه‌ای»، «ج» و «بادیگارد» خودم مستقیماً از زبان رهبری تعریف شنیدم.

هیچ وقت خودم فیلم‌های خودم را نمی‌بینم چون برایم عذاب‌آور است!

از فیلم‌خنده‌ملی ایران بسیار متشکرم که فیلم‌ها را برام می‌کند، چون اگر این کار را نکنند، بچه‌های ما وقتی نسخه‌های قدیمی این فیلم‌ها را می‌بینند فکر می‌کنند از دوران چارلی چاپلین عقب‌تر هستند، چون فیلم‌های چاپلین شفاف‌تر و فوکوس‌تر از فیلم‌های ما است.

به نظر من اینکه فرد سیاسی وجود ندارد، کذب محض است. مشهورترین فیلم من که «آژانس شیشه‌ای» است، سیاسی‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران تلقی می‌شود.

آقای روحانی جریان فرهنگی ما مردان بزرگ می‌طلبد نه مردانی که ۲۴ ساعت پای حرف خود می‌ایستند. من بابت این نوع سخن گفتن هزینه دادم و افتخار من این است که با همین‌ها حرف‌هاست که اسم من پیش شما جوانان عزیز مطرح می‌شود.

من فیلمساز وابسته و فیلمساز این نظامم. من افتخار می‌کنم از کسانی حرف می‌زنم که باورش‌دارم.

حاج قاسم سلیمانی با دیدن فیلم من اشک ریخت. این نگاه و قضا زشت است برای این مملکت. من شکایت‌م را پیش خدا می‌رم.

ابراهیم حاتمی کیاشبیه فیلم‌هایش پر شور و شور است و همیشه بی‌محابا حرف‌هایش را می‌زند؛ حرف‌هایی که خیلی وقت‌ها برایش گران تمام شده و خیلی وقت‌ها هم به سودش تمام شده است. اینجا چند دیالوگ جنجالی حاتمی کیا را با هم مرور می‌کنیم.

یکی می‌گوید حاتمی کیا تمام شده است، حاتمی کیا تکراری شده است، حاتمی کیا گم شده است، حاتمی کیا حرفی برای گفتن ندارد و حالا حاتمی کیا آمریکایی شده است! من با این «مدح مایل به ذم» چه باید کنیم؟

من از جنگ به سینما آمدم. در آن فضا بودم و در آن فضا ذوب شده بودم و همان موقع متوجه شده بودم که باید دورترین راهم به دست بگیرم.

به من می‌گویند حرف که می‌زنی جنجال می‌شود، ولی من اصلاً زیاد حرف نمی‌زنم. از آخرین باری که حرف رساله‌ای زده‌ام، روزهای زیادی گذشته است ولی مساله اینجاست که من مانند فیلم‌هایم حرف می‌زنم؛ متناسب با شرایط و موقعیت.

زمانی که «دیده‌بان» را ساختم، موج عقب‌نشینی‌ها شروع شده بود. فضایی که در این فیلم مطرح است، یعنی آن خط حامل، احساس من به عنوان فیلمساز، نسبت به وضعیت حاکم در آن دوران است؛ زمانی که اوضاع خوب نیست و دیده‌بان باید به هم‌زمانش گرا بدهد و اگر ناچار شود مجبور می‌شود حتی جای خودش را هم بکشد.



این سال‌ها تعیین تکلیف با فیلم‌های حاتمی کیا کار سختی است. فیلم‌های «بادیگارد» و «به وقت شام» تا حدی مخاطب را امیدوار می‌کنند که قرار است با یک «فیلم» مواجه شوند ولی این اثر یکبار به یک «بلیه سیلی» تبدیل می‌شود.

۱۳۹۸ صعود یا سقوط؟

حاتمی کیا بعد از دو سال با فیلم «خروج» به جشنواره امسال آمده است. از شنیده‌ها اینطور برمی‌آید که آخرین اثر است، فضایی ملتهب و به شدت انتقادی دارد و احتمال این وجود دارد که امسال دوباره با حاتمی کیا بی‌دوست‌دانش‌تنی و شعارزده (۱) روبه‌رو شویم.

فیلم «پرزودیک» «دعوت» هم که قرار بود با حاتمی کیا متفاوتی مواجه کند، مورد توجه مردم و منتقدان قرار نگرفت. «گزارش یک جشن» هم که قرار بود احیای ابراهیم لقب بگیرد، تا همین لحظه توقیف شده و از سر نوشتش خبری نیست.

۱۳۹۲ خنثی

تقریباً همه علاقه حاتمی کیا به مصطفی چمران خبر دارند و انتظار می‌رفت که این عشق و علاقه به خروجی دلچسبی تبدیل شود، ولی متأسفانه فیلم «ج» اثر بی‌ووخصیتی از آب درآمد که می‌خواست همه را راضی نگه دارد.

۱۳۹۴-۱۳۹۶ صعود یا یک ستاره

فیلم‌های «روان قرمز»، «موج مرده» و مخصوصاً «ارتفاع بست» را آماده نمایش کرد.

۱۳۸۳ صعود چهار ستاره

«به رنگ لرغوان» آخرین فیلمی است که رنگ و بوی حاتمی کیا را نشان می‌دهد. گرفته است شاید توقیف سه‌ساله این فیلم، مهم‌ترین عامل تغییر رویه آقای کارگردان باشد. کارگردانی که بعد از این سال دیگر آن حاتمی کیا همیشگی نشد.

۱۳۸۴-۱۳۸۹ سقوط سه ستاره

فشارهای متعدده حاتمی کیا باعث شد تمرکزش را از دست بدهد و آینده جذاب «به نام پدر» به فیلم جذول تبدیل نشود.

حاتمی کیاست استاد فیلم‌های مهم «بوی بیراهن یوسف» و «فرح مینو» را در این سال ساخت و خودش را کلاً به عنوان یک فیلمساز جنگی خوش‌قربحه تثبیت کرد.

۱۳۷۶ صعود پنج ستاره

بدون شک مهم‌ترین سال فعالیت هنری ابراهیم حاتمی کیا سال ۷۶ است که فیلم جذاب و عجیب «آژانس شیشه‌ای» را با موفقت‌های فراوان به جشنواره فجر رساند و جوایز را درو کرد.

۱۳۷۸-۱۳۸۰ صعود چهار ستاره

خوش‌بختانه ابراهیم در سال موفقیت چشمگیر «آژانس شیشه‌ای» خولید و در عرض دو سال با وجود تمام حاشیه‌ها،